دستور زبان ترکی ایرانی

روش آسان برای یادگیری دستور زبان ترکی

در مدتی کوتاه

تألیف

احمد کاویان پور

دستور زبان ترکی ایرانی

روش آسان برای یادگیری دستور زبان ترکی

در مدتی کوتاه

تألیف

احمد کاویان پور

مشخصات کتاب

دستور زبان ترکی ایرانی

تألیف : احمد کاویان‌پور

حروفچینی : حروفچینی کامپیوتری کاوش ٦٤٥٢٤٩٩

لیتوگرافی : قاسملو - ٣٠٤٢٨٤

چاپ : خرمی

نوبت چاپ : اول، بهار - ١٣٧١

تعداد صفحات : ٦٤ صفحه - جیبی

تیراژ : ٢٠٠٠ جلد

ناشر : مؤلف

محل توزیع : کتابفروشی اندیشهٔ‌نو

نشانی: تهران، میدان انقلاب، اول خیابان کارگر شمالی
پاساژ فیروز - طبقهٔ دوم

بسم‌الله الرحمن الرحیم

اصوات

از سی و دو حرف الفبای رایج در زبان ترکی ایرانی (۹) حرف آن صدادار هستند که به دو گروه قوی و ضعیف تقسیم میشوند .

الف - حروف صدادار قوی:

کلمات اسمی

۱ - آ	: آدام - آدم	(ج)	آداملار	آدمها
۲ - او (کوتاه)	: دوز - نمک	«	دوزلار	نمک‌ها
۳ - اؤ	: اؤد - آتش	«	اؤدلار	آتش‌ها
٤ - ای (کوتاه)	: قیش - زمستان	«	قیشلار	زمستانها

کلمات فعلی

۱ - آ : آل - بگیر آلمیشام گرفته‌ام (ماضی نقلی)

۲ - او (کوتاه) : اوچ - به پر اوچموشام پریده‌ام «

۳ - اؤ : اؤل - باش اؤلموشام شده‌ام «

٤ - ای (کوتاه) : قیل - ادا کن قیلمیشام ادا کرده‌ام «

ب - حروف صدادار ضعیف:

کلمات اسمی

۱ - اَ : اَل - دست (ج) اَل‌لَر دستها

۱ - اِ : ائو - خانه « ائولَر خانه‌ها

۳ - اُ - ئو : اُردک - مرغابی « اُردک‌لَر مرغابی‌ها

٤ - او (کشیده) : اوز - صورت « اوزلَر صورت‌ها

۵ - ای (کشیده) : بیر - یک « بیرلَر یک‌ها

کلمات فعلی

۱ - اَ : اَک - بکار اَکمیشم کاشته‌ام (ماضی نقلی)

۲ - اِ : ائله - بکن ائله‌میشم کرده‌ام «

۳ - اُ - ئو : ئول - بمیر ئولموشم مرده‌ام «

٤- اؤ (کشیده) : دؤز - صبر کن دؤزموشم صبر کرده‌ام «

۵- ای (کشیده) : تیک - بدوز تیک‌میشم دوخته‌ام «

توجه - چگونگی تشخیص حروف صدادار قوی از ضعیف در جمله از مصدر و از فعل ماضی نقلی و نیز از طرز جمع بستن اسامی به آسانی معلوم و مشخص میگردد.

۱- حروف صدادار قوی در جمع (لار) بخود میگیرد مانند: آداملار - دوزلار - اؤدلار - قیشلار.

۲- حروف صدادار ضعیف در جمع (لَر) بخود میگیرد مانند: آل‌لَر - ائولَر - اُرد کلَر - اوزلَر - بیرلَر.

۳- آخر مصدر با حروف صدادار قوی به (ق) ختم میشود مانند: آلماق (گرفتن) اوچماق (پرواز کردن)

٤- آخر مصدر با حروف صدادار ضعیف به (ک) ختم میشود مانند: اکمَک (کاشتن) ائله‌مَک (کردن).

۵- افعال قوی در ماضی نقلی به (میشام - موشام) ختم میشوند. مانند: آلمیشام (گرفته‌ام) اوچموشام (پرواز کرده‌ام)

٦ - افعال ضعیف در ماضی نقلی به (میشم - موشم) ختم میشوند. مانند: آکمیشم (کاشته‌ام) دؤزموشم (صبر کرده‌ام)

هنگام تلفظ کلمات میزان باز و بسته شدن لبها و دهان بسیار حائز اهمیت می‌باشد و یکی از حساسترین و مهمترین دستور زبان ترکی است. بکلمات زیر توجه کنید.

اوزوم	انگور	دوز	نمک
اوزوم	قطع کنم	دوز	درست
اوزوم	شنا کنم	دوز	بچین
اوزوم	صورتم	دؤز	صبر کن
اؤزوم	خودم	دوز	راست

قانون هم آهنگی حروف صدادار

اصل هماهنگی حروف صدادار یکی از برجسته‌ترین ویژگیهای صوتی زبان ترکی است. بموجب این اصل نخستین حرف صدادار قوی یا ضعیف در کلمه، حروف صدادار بعدی را نیز از همان گروه، تابع خود خواهد کرد و حروف صدادار قوی و ضعیف داخل هم نخواهند شد.

این قانون در دستور زبان ترکی بنام قانون **هم آهنگی** نامیده میشود.

مثال برای قانون هم آهنگی زبان ترکی:

۱- آدام	آداملار	آداملارا	آداملاردان	آداملاردا
آدم	آدمها	به آدمها	از آدمها	در آدمها
۲- دفتر	دفترلَر	دفترلَره	دفترلَردَن	دفترلَرده
دفتر	دفترها	به دفترها	از دفترها	در دفترها
۳- گورور	گورونور	گوروَرسوز	گورونورسوز	گورووردوز
می‌بیند	دیده میشود	می‌بینید	دیده میشوید	می‌دیدید

اسم

اسم از مهمترین اجزای تشکیل دهنده کلام است و برای نامیدن موجودات جاندار، جامد ، اشیاء، پدیده‌ها ، مفاهیم علمی و ادبی بکار میرود . در زبانهای پیشرفته جهان برای گیاهان و نباتات طبّی تعداد یک ملیون و سیصد هزار واژه مختلف وجود دارد .

آتا - پدر　　آنا - مادر　　باجی - خواهر　　قارداش - برادر

آی - ماه　　گون - روز　　گونش - خورشید　　ایل - سال

مصدر - مصدر از افزودن (ماق) در افعال قوی و (مَک) در افعال ضعیف به آخر فعل امر تشکیل میشود .

مانند :

قاچ - بدو　　قاچماق - دویدن

اَک - بکار　　اَکمَک - کاشتن

اسم مصدر - علامت اسم مصدر عبارتست از (لیق - لوق) برای اصوات قوی و (لیک - لوک) برای اصوات ضعیف مانند:

آیلیق	ماهیانه	دؤنلوق	پیراهنی
دفترلیک	دفتری	گؤزلوک	عینک

اسم فاعل: اسمی است که برانجام دهندهٔ کاری اطلاق میشود مانند:

ووران (ضارب)　　ئولدوره‌ن (قاتل)　　قاچان (فراری)

اسم مفعول: اسمی است که کاری براو واقع شده است. مانند:

وورولان (مضروب)　　ئولن (مقتول)　　یارالی (مجروح)

جمع اسماء: در زبان ترکی هرگاه تعداد چیزی از دو عدد بیشتر باشد حالت جمع بخود میگیرد پیوند جمع به دو شکل لار - لَر می‌باشد.

اسمائی که حروف صدادار آخر آنها قوی باشد با (لار) و آنهائی که حروف صدادار آخرشان ضعیف باشد با (لَر) جمع بسته میشوند. مانند:

کتاب	کتابلار	کتابها	مداد	مدادلار	مدادها
دفتر	دفترلَر	دفترها	قلم	قلم‌لَر	قلم‌ها

حالات اسم:

قوی

۱ - حالت فاعلیت	آتا گلدی	پدر آمد
۲ - حالت مفعول به	آتایادئدیم	به پدر گفتم
۳ - حالت مفعول الیه	آتانی گؤردوم	پدر را دیدم
٤ - حالت مفعول فیه	آتاداوارایدی	پیش پدر بود
۵ - حالت مفعول عنه	آتادان ائشیتدیم	از پدر شنیدم
٦ - حالت اضافه ملکی	آتانین حقی	حقِ پدر

ضعیف

احمد گلدی	احمد آمد
احمده دئدیم	به‌احمد گفتم
احمدی گؤردوم	احمد را دیدم
احمد دَه‌وارایدی	پیش احمد بود
احمد دن‌ائشیتدیم	از احمد شنیدم
احمدین حقی	حقِ احمد

توجه : کلمه آتا چون با حرف صدادار خاتمه یافته لذا در مفعول‌الیه حرف (ن) و در مفعول‌به حرف (ی) و در حالت اضافی حرف (ن) بخود گرفته است.

پسوندها

پسوندها ترکیباتی هستند که فاقد معنا می‌باشند و تنها با پیوستن به آخر اسامی و افعال وظیفه مهم و مشخصی را انجام میدهند.

الف - پسوندهائی که به آخر ریشه‌های اسمی می‌پیوندند. مانند:

باش (سر) باشلیق (کلاه) آغاج (درخت) آغاجلیق (درخت‌زار)

ب - پسوندهائی که به آخر ریشه‌های فعلی می‌پیوندند مانند:

بیلگی (عِلم) بیلگین (عالم) ایچ (بنوش) ایچگی (نوشابه)

* * *

ضمیر

ضمیر کلمه‌ایست که در جمله جانشین اسم میشود و از تکرار آن جلو گیری میکند. مانند:

علی گلدی علی آمد او گلدی او آمد

حسن گئتدی حسن رفت او گئتدی او رفت

ضمایر دارای انواع مختلف هستند:

۱- **ضمایر شخصی**: ضمایری هستند که در کلام مفهوم عمومی شخص را بیان میدارند و هنگام صرف حالات تصریفی اسم را بخود میگیرند:

حالت فاعلیت	من	سن	او
حالت مفعول به	منه	سنه	اونا
حالت مفعول الیه	منی	سنی	اونو
حالت مفعول فیه	منده	سنده	اوندا
حالت مفعول عنه	مندن	سندن	اوندان
حالت اضافی ملکی	منیم	سنین	اونون

بیز	سیز	اونلار	آنان
بیزه	سیزه	اونلارا	به آنان
بیزی	سیزی	اونلاری	آنان‌را
بیزده	سیزده	اونلاردا	در آنان
بیزدن	سیزدن	اونلاردان	از آنان
بیزیم	سیزین	اونلارین	مال آنان

۲- ضمایر منعکسه : ضمایری هستند که عمل انجام شده بخود فاعل برمیگردد. مانند :

من ئوزوم	من خودم	بیزئوزوموز	ما خودمان
سن ئوزون	تو خودت	سیزئوزوز	شما خودتان
او ئوزی	او خودش	اونلارئوزلری	آنها خودشان

۳- ضمایر اشاره : ضمایری هستند که برای نشاندادن دوری یا نزدیکی موجودات و اشیاء بکار میروند این ضمایر در قبول پسوندهای جمع از اسم پیروی میکنند.

ضمایر اشاره اگر با اسم بیایند اسم اشاره و اگر با ضمیر بیایند ضمیر اشاره نامیده میشوند.

حالت فاعلیت	بو	بونلار	او	اونلار	آنها
مفعول‌به	بونا	بونلارا	اونا	اونلارا	به آنها
مفعول‌الیه	بونو	بونلاری	اونو	اونلاری	آنها را
مفعول‌فیه	بوندا	بونلاردا	اوندا	اونلاردا	در آنها
مفعول‌عنه	بوندان	بونلاردان	اوندان	اونلاردان	از آنها
حالت اضافی	بونون	بونلارین	اونون	اونلارین	مال آنها

۴- ضمایر استفهام: ضمایری هستند که هویت اشخاص و اشیاء را بطریق سئوالی تعیین می کنند. مانند:

حالت فاعلیت	کیم	کیملَر	نه	نه‌لَر
مفعول‌به	کیمه	کیملَره	نه‌یه	نه‌لَره
مفعول‌الیه	کیمی	کیملَری	نه‌یی	نه‌لَری
مفعول‌فیه	کیمده	کیملَرده	نه ده	نه‌لَرده
مفعول‌عنه	کیمدَن	کیملَردَن	نه‌دَن	نه‌لَردَن
حالت اضافی	کیمین	کیملَرین	نه‌یین	نه‌لَرین
		هانسی	هانسیلار	کدام
		هانسینا	هانسیلارا	بکدام
		هانسینی	هانسیلاری	کدام را

هانسیندا　هانسیلاردا　در کدام

هانسیندان　هانسیلاردان　از کدام

هانسی‌نین　هانسیلارین　مال کدام

۵- ضمایر وصفی : ضمایری هستند که با افزودن پسوندهای لیک. لی. کی در آخر ضمایر، کلماتی با مفهوم جدید بوجود می آورند. مانند :

من‌لیک	سن‌لیک	بیزلیک
منیم کی	سنین کی	بیزیم کی
سیزلیک	منلی	سنلی
سیزین کی	اونون کی	اونلارین کی

۶- ضمایر نامعین : ضمایری هستند که موجودات را بصورت نامعین نشان میدهند. مانند :

بیری　بیریسی　آیری　آیریسی　ئوزگه　ئوزگه‌سی

ضمایر نامعین هنگام صرف حالات اسم را قبول میکنند.

۷- ضمیر موصول (که) : ضمیر موصول اسمی است نکره (که) بسبب جمله‌ای که بعد از آن می آید معرفه میشود. مانند :

او باغی که گؤردون　او کتابی که‌او خودون　او کاغذی که یازدین

صفت

صفت اسم را توصیف میکند و چگونگی اسم را بیان میدارد . اشیاء و موجودات ضمن اینکه هر یک به اسمی شناخته میشوند دارای اوصاف گونا گون هستند . صفات کلماتی هستند که برای توصیف این اسامی بکار میروند .

در زبان تورکی صفت قبل از موصوف می آید و بصورت مفرد بکار میرود . مانند :

اوجاداغلار یاخشی آدام یاخشی آداملار قیزیل گول قیزیل گول‌لَر

صفات در زبان تورکی همانند اسم از نظر ساختمان دارای اشکال ساده - ترکیبی و مرکب میباشند .

الف - صفات ساده یا مفرد : صفاتی هستند که تنها از یک ریشه تشکیل یافته‌اند . مانند :

آغداش گوی گؤز اوزون حسن کوراوغلی

ب - صفات ترکیبی : صفاتی هستند که از پیوستن یکرشته پسوندهای توصیفی به آخر کلمات بوجود می آیند

و دارای اشکال مختلف می باشند . مانند :

۱ - شکل مثبت	مانند صفالی باغ	داشلی یول	دوزلوبالیق
۲ - شکل منفی	« پولسوز آدام	آناسیزاوشاق	سوت‌سوزاینک
۳ - شکل وابستگی	« گویده کی اولدوز	چایدا کی بالیق	داغدا کی مارال
٤ - شکل منسوب	« اورتانجی اوشاق	آغیمتیل پارچا	اوزون سوومیز
۵ - شکل تشدید	« توتقون هاوا	کسگین قلیج	وورغون شاعر
٦ - اشکال مختلف	« قیریق ایپ	دلیک‌قاب	یازلیق بوغدا

پ - صفات مرکب : صفاتی هستند که از پیوستن صفت، اسم، قید ، فعل و توالی آنها تشکیل میشوند و در بعضی از این صفتهای مرکب، اسم قبل از صفت قرار میگیرد و با قبول پسوند با صفت تلفیق می یابد . مانند :

	یاشیل باش صونا	باشی قارلی داغ
اوزون بورون بالیق	آدلی سانلی آدام	اوزون یاشلی کیشی
سرین سرین بولاقلار	داش اوره‌ک انسان	تئزباریشان آدام
دیلی کسیک آدام	باشی بلالی کیشی	ایکی اوزلو جماعت

اقسام صفات : صفات از نظر درجه به سه نوع: صفت مطلق، صفت تفضیلی و صفت عالی تقَسیم میشوند .

الف - صفت مطلق : صفت مطلق همان صفت ساده است که بحالت مفرد و بدون مقایسه با صفات دیگر بیان میشود. مانند :

یاخشی آدام　　　جوان اوغلان　　　تازاماشین

ب - صفت تفضیلی : صفت تفضیلی که آنرا با صفت دیگر مقایسه میکنند و علامت آن در زبان تورکی: راق - داها - چوخ است. مانند :

یاخشی راق　　　داها یاخشی　　　چوخ یاخشی

صفاتی مانند : دوم آغ دوم یاشیل یام یاشیل دو مدوز جزء صفات تفصیلی هستند .

پ - صفت عالی : صفت عالی در مقایسه بین چند چیز که برهمه آنها برتری دارد، بکار میرود و علامت آن در زبان تورکی: لاپ - آن است. مانند :

لاپ گؤزه‌ل　　آن ایی

صفاتی مانند هامیدان گؤزه‌ل گؤزه‌للَر گؤزه‌لی جزء صفات عالی محسوب میشوند .

ت - صفات تکراری : مانند : قاپقارا ساپساری گوم گوی ترتمیز

ث - صفات وصفی : صفاتی هستند که کیفیت ذاتی اشیاء و اشخاص را بیان میدارند. مانند :

یاشیل یارپاق	دوزگون آدام	اوتانجاق اوشاق

ج - صفت مشبهه : ثبوت و پابرجائی صفت را در موصوف میرساند. مانند :

دنیه‌سن گلیر	ائله‌بیل ئوزودور	اؤلماسین بیزه گؤره

چ - صفت لیاقت : مانند :

ینمه‌لی آلما	گؤرمه‌لی فیلم	تاماشالی باغ

فعل

فعل : کلمه‌ایست که برانجام کاری در یکی از سه زمانهای ماضی، مضارع، آینده دلالت کند.

فاعل : آنست که برکسی یا چیزی که فعل از او سرزده دلالت کند مانند: یازان (نویسنده) قاچان (فراری)

مفعول : آنست که فعل براو واقع شده باشد. مانند: احمدی گؤردوم (احمد را دیدم) آلمانی یئدیم (سیب را خوردم)

فعل ماضی : فعل ماضی کاری را که در گذشته انجام گرفته است بیان میدارد. فعل ماضی در زبان تورکی بر نه (۹) وجه است.

۱ - ماضی مطلق
۲ - ماضی استمراری
۳ - ماضی نقلی
٤ - ماضی نقلی مستمر
۵ - ماضی بعید
٦ - ماضی ابعد
۷ - ماضی التزامی
۸ - آینده در گذشته
۹ - ماضی شرطی

۱- فعل ماضی مطلق : فعلی است که در زمان گذشته بطور ساده انجام گرفته است. مانند: من گلدیم - من آمدم.

من گلدیم　　بیز گلدیک

سن گلدین　　سیز گلدیز

او گلدی　　اونلار گلدیلر

۲- فعل ماضی استمراری : فعلی است که بروقوع کار در گذشته بطور استمرار و مداوم دلالت کند. مانند: من داشتم می آمدم.

من گلیردیم　　بیز گلیردیک

سن گلیردین　　سیز گلیردیز

او گلیردی　　اونلار گلیردیلر

۳- فعل ماضی نقلی : فعلی است که در گذشته اتفاق افتاده و ممکن است مدتی جنبهٔ نقلی و ادامه‌ای داشته است. مانند: من آمده‌ام.

من گلمیشم　　بیز گلمیشیک

سن گلیب‌سن　　سیز گلیب‌سیز

او گلیبدی　　اونلار گلیب‌دیلر

٤- ماضی نقلی مستمر : مانند : من می آمده‌ام.

من گَلَردیم بیز گَلَردیک

سن گَلَردین سیز گَلَردیز

او گَلَردی اونلار گَلَردیلر

٥- ماضی بعید : فعلی است که در زمان گذشتهٔ بسیار دور انجام شده یا قبل از فعل ماضی انجام گرفته است مانند : من آمده بودم.

من گلمیشدیم بیز گلمیشدیک

سن گلمیشدین سیز گلمیشدیز

او گلمیشدی اونلار گلمیشدیلر

٦- ماضی ابعد : فعلی است که در زمان گذشتهٔ بسیار دور یا قبل از فعل ماضی بعید انجام گرفته است مانند : من آمده بوده‌ام.

من گلمیش ایدیم بیز گلمیش ایدیک

سن گلمیش ایدین سیز گلمیش ایدیز

او گلمیش ایدی اونلار گلمیش ایدیلر

٧- فعل ماضی التزامی : فعلی است که همراه با شک و تردید انجام گرفته باشد. مانند : من آمده باشم.

من گلمیش اولسام بیز گلمیش اولساق
سن گلمیش اولسان سیز گلمیش اولساز
او گلمیش اولسا اونلار گلمیش اولسالار

۸- فعل ماضی آینده در گذشته : مانند: قرار بود من بیایم.

من گله‌جک ایدیم بیز گله‌جک ایدیک
سن گله‌جک ایدین سیز گله‌جک ایدیز
او گله‌جک ایدی اونلار گله‌جک ایدیلر

۹- فعل ماضی شرطی : مانند:

من گَل سئیدیم بیز گَل سئیدیک
سن گَل سئیدین سیز گَل سئیدیز
او گَل سئیدی اونلار گَل سئیدیلر

فعل مضارع : فعل مضارع فعلی است که برانجام کاری در زمان حال و ادامهٔ آن در زمان آینده دلالت کند و آن برچهار نوع است:

۱- مضارع ساده ۳- مضارع استمراری
۲- مضارع اخباری ٤- مضارع التزامی

۱ - فعل مضارع ساده : فعلی است که در زمان حال بطور ساده انجام میگیرد. مانند: آیم در واقع چون زمان دایم در گذر است. لذا زمان حال ثابت وجود نخواهد داشت.

مِن گُلَم	بیز گله ک
سن گَلَسن	سیز گُله سیز
او گُله	اونلار گُله لَر

۲ - فعل مضارع اخباری : یا آیندهٔ مجهول فعلی است که برانجام کاری (در زمان مجهول) بطور یقین خبر دهد. مانند: من می آیم (خیلی خوب بعداً میآم)

من گله رَم	بیز گله ریک
سن گلَرسن	سیز گلَرسیز
او گلَر	اونلار گلَرلَر

۳ - فعل مضارع استمراری : فعلی است که انجام کاری را بطور استمرار بیان میکند. مانند: من دارم می آیم.

من گلیرَم	بیز گلیریک
سن گلیرسَن	سیز گلیرسیز
او گلیر	اونلار گلیرلَر

٤- فعل مضارع التزامی : فعلی است که انجام کاری را بطور شک و تردید و با خواهش بیان می‌نماید. مانند: من بیایم.

من گلیم	بیز گله‌ک
سن گل	سیز گلین - گلیز
او گلسین	اونلار گلسین‌لَر

فعل زمان آینده : یا فعل مستقبل فعلی است که انجام کاری را در آینده بیان میکند. مانند: خواهم آمد.

من گله‌جگم	بیز گله‌جه ایک
سن گله‌جکسن	سیز گله‌جکسیز
او گله جک	اونلار گله‌جکلر

فعل امر : وجه امری - فعلی است که برانجام کاری بصورت دستور و فرمان دلالت کند و انجام کاری را از کسی طلب نماید و فاقد زمان می‌باشد. مانند: یاز بنویس گل بیا

فعل امر بر دو نوع است: فعل امر حاضر مثل: یاز، گل - گئت برو - باخ نگاه کن.

فعل امر غایب مانند : گره ک گلسین باید بیاید - گره ک یازسین باید بنویسد .

من یازیم	بیز یازاق
سن یاز	سیز یازین
او یازسین	اونلار یازسینلار

فعل سببی : فعلی است که انجام کاری را بخواست کسی بوسیله شخص دیگری بیان میدارد . مانند : دادم سرم را اصلاح کردند .

من قیرخدیردیم	بیز قیرخدیردیق
سن قیرخدیردین	سیز قیرخدیردیز
اوقیر خدیردی	اونلارقیر خدیردیلار

فعل استفهامی : وجه استفهامی - فعل مضارع سئوالی را استفهام گویند مانند : آیا احمد می‌نویسد ؟

آیا احمد یازیر؟	احمد یازدی‌می؟
من یازدیم‌می؟	بیز یازدیق‌می؟
سن یازدین‌می؟	سیز یازدیز‌می؟
او یازدی‌می؟	اونلار یازدیلارمی؟

فعل نفی : فعلی است که از انجام کاری جلو گیری مینماید مانند: نرو - نگو - گئتمه - دئمه - یازما - نئویس.

من یازمارام	بیزیازماریق
سن یازماسان	سیزیازماسیز
اویازماز	اونلاریازمازلار

وجه شرطی : فعلی است که انجام کاری را با شرط و شروط بیان میدارد و اغلب با کلمات: اگر، ممکن، تا، هروقت، حتی همراه است. مانند: اگر گله دئیَرَم - اگر بیاید، میگویم. ممکن است بیاید - ممکن دیر گلسین - نمی‌نویسم تا تو بیایی - یازمارام تاسن گله‌سن.

اگر من یازسام	اگر بیز یازساق
اگر سن یازسان	اگر سیز یازساز
اگر اویازسا	اگر اونلار یازسالار

وجه التزامی : فعلی است که وجوب کاری را بالاجبار بیان میدارد. مانند: من گره ک گئدم من باید بروم من گئتمه لی یم من رفتنی هستم

من گئتمه لی یم   بیز گئتمه‌لییک
سن گئتمه لی سن   سیز گئتمه‌لی سیز
او گئتمه‌لی دیر   اونلار گئتمه‌لی دیلر

وجه وصفی : یا صفات فعلی - افعالی هستند که انجام کاری را از نظر حرکت بیان میدارند. مانند :

با خان گؤزلر   قوشا باخیشلار   یاتان اوشاق

وجه مصدری : یا اسم فعلی - افعالی هستند که در جمله بصورت مصدر می آیند و در معنا بصورت فعل بکار میروند مانند: اگر آلماق اولسا ، آلارام.آختاریش - جستجو.

گلیش - روش اوتوروش - یئریش - باخیش - ترپنیش

۱ - زمان حال فعل مجهول : من زده میشوم

من وورولورام   بیزوورولوروق
سن وورولورسان سیز ووولورسوز
او وورولور   اونلار وورولورلار

۲ - ماضی فعل مجهول : من زده شدم

من وورولدوم   بیز وورولدوق
سن وورولدون   سیز وورولدوز
او وورولدی   اونلار وورولدولار

۳- ماضی استمراری فعل مجهول : من زده می‌شدم

من وورولوردوم　　بیز وورولوردوق

سن وورولوردون　　سیز وورولوردوز

او وورولوردی　　اونلار وورولوردولار

٤- ماضی نقلی فعل مجهول : من زده شده‌ام

من وورولموشام　　بیز وورولموشوق

سن وورولوبسان　　سیز وورولوبسوز

او وورولوبدی　　اونلار وورولوبلار

۵- ماضی بعید فعل مجهول : من زده شده بودم

من وورولموشدوم　　بیز وورولموشدوق

سن وورولموشدون　　سیز وورولموشدوز

او وورولموشدی　　اونلار وورولموشدولار

٦- ماضی التزامی فعل مجهول : من زده شده بشوم

من وورولموش اولسام　　بیز وورولموش اولساق

سن وورولموش اولسان　　سیز وورولموش اولساز

او وورولموش اولسا　　اونلار وورولموش اولسالار

۷- ماضی شرطی فعل مجهول : اگر من زده می‌شدم

اگر من وورولموش اولسایدیم　　اگر بیز وورولموش اولسایدیق

اگر سن وورولموش اولسایدین　　اگر سیز وورولموش اولسایدیز

اگر او وورولموش اولسایدی　　اگر اونلار وورولموش اولسایدیلار

۸- زمان آیندهٔ فعل مجهول : من زده خواهم شد

من وورولو جاغام　　بیز وورولوجایوق

سن وورولو جاقسان　　سیز وورولو جاقسیز

او وورولوجاقدی　　اونلار وورولوجاقلار

افعال مشارکه : افعالی هستند که برانجام کاری بوسیله دو یا چند نفر بالاشتراک دلالت میکند مانند :

آتماق - آتیشماق. سئومَک - سئویشمَک. اؤپمَک - اؤپوشمَک. همدیگر را بوسیدن

قید

قید کلمه‌ایست که فعل یا کلمهٔ دیگری غیر از اسم را مقید میسازد و زمان، مکان، حالت و چگونگی آنرا بیان میدارد. مانند: علی دوز دئییر - ایش چتین دیر

قید در زبان تورکی از نظر معنا و مفهوم و ساختمان به انواع زیر تقسیم میشود:

۱ - **قیود زمان**: قیودی هستند که زمان وقوع فعل را بیان می‌دارند.

مانند:

ساده: ایندی - بایاق - هله - سونرا - تئز - گئج - سحر - آخشام - دونَن - همیشه.

ترکیبی: ایندی‌لیک - بایاقدان - هله‌لیک - سونرالیق - هردن - ایندیجه - تئزکَن.

مرکب: تئزتئز - سحردن آخشاما - سحر چاغی - آخشام چاغی.

۲- قیود مکان : قیودی هستند که مکان وقوع فعل را بیان میدارند .

مانند :

ساده: قاباق - دالی - آشاغی - یوخاری - ساغ - سؤل - هارا - ایره‌لی.

مرکب: قاباقدا - دالدا - آشاغیدا - بوردا - اوردا - هریاندا - هئچ یئرده.

۳- قیود حالت - حرکت - چگونگی : قیودی هستند که حالت و حرکات فعل را بیان میدارند .

مانند :

ساده: یاواش - سواره - پیاده - آشکار - اوجوز - آسان.

ترکیبی: یاواشجا - آستاجا - یاناکی - بیرلیکده - اوجادان.

مرکب: آستا آستا - باشاباش - قاباق قاباغا .

٤- قیود مقدار و کمیت : قیودی هستند که مقدار و کمیت فعل انجام شده را بیان میدارند .

مانند :

ساده: آز - چوخ - آرتیق - تک - جوت - نئچه - دؤلی - یاریم.

ترکیبی: آزجا - دؤیونجا - آزلیق - چوخلوق - ئولونجه - تکجه - اقلاً - تقریباً.

مرکب: بیره اوچ - یوزده اون.

۵- قیود تاکید و ایجاب :

مانند:

بلی - بلکه - دوزی - ها - هابلی - گل‌ها - دئها - شبهه‌سیز - البته.

۶- قیود ترتیب :

مانند:

اول - آخر - دالبادال - دمبدم - گئنه‌ده - اولینجی - نئچه دفعه - اولاً.

۷- قیود نفی :

مانند:

نه - خیر - یوخ - اولماز - هئچ - ابدا - اصلاً - هیچوقت.

۸- قیود استثناء :

مانند:

مگر - سوا - سوای - الا - غیر - مگرکه - اولماسین.

۹- قیود استفهام :

مانند :

هاچان - هاچاغ - نه او چون - آیا - هانسی - هانکی - نه جور - نییه - هارا.

۱۰- قیود شک و گمان :

مانند :

دئیه‌سن - اؤلسون که - دئمه‌لی - ممکن - اؤلا که.

۱۱- قیود شرط :

مانند :

تا - اگر - هروقت.

۱۲- قیود علت :

مانند :

چونکه - نیچون - نه جهته - نه علته - نه دلیله - نه آدا - نه سببه.

۱۳- قیود تکرار :

مانند :

گئنه‌ده - داهادا - بیرده - چوخ‌چوخ - آزآز - یاواش یاواش.

۱٤- قیود سوگند :

مانند :

واللهی - اللها - جانیوا - سنی‌تاری - سن‌اللهی - من ئولوم - جانون اوچون - سن‌ئوله‌سن.

۱۵- قیود تمنّا :

مانند :

اِن شاءالله - کاش - ایکاش - گؤره‌سن اؤلار.

۱٦- قیود تشبیه :

مانند :

بوجوراوجور - ائیله کی - بیلنچی - ائلنچی - بئله‌لیکده - ائله‌لیکده - اوجورلوقدا.

توجه : هرگاه کلمات لیق - لوق - لیک - لوک را به آخر صفت اضافه کنیم، قید کیفیت و چگونگی ایجاد میشود.

مانند :

گوزه‌ل‌لیک - زیبائی - یاخشی‌لیق - خوبی - اوجوزلوق - ارزانی

* * *

حروف ربط

حروف ربط یا حروف عطف کلماتی هستند که دو کلمه یا دو جمله را به یکدیگر مربوط میسازند. مانند:

مفرد: و - یا - داخی - بس - چون - ایسه - ایله - اما - حتی.

مرکب: هابئله - یوخسا که - آنجاق که - حالبوکه - تاکه - وقتیکه.

حروف اضافه

حروف اضافه حروفی هستند که به کلمات افزوده شده و نسبت بین دو کلمه را نشان میدهند و کلمه را متمم قرار میدهند. مانند:

ساده: دان - دن - دا - ده - گـؤره - بـاشـقـا - کیمی - سوا - سونرا - تا - تکین - اما - ولی.

مرکب: اونا گؤره - اونون اوچون - اونون دالیجا - اوناساری - اوصورتده - بوصورتده.

اعداد

اعداد کلماتی هستند که شماره و تعداد را معین میکنند و عبارتند از:

۱- اعداد اصلی:

بیر - ایکی - اوچ - دؤرد - بئش - آلتی - یئددی - سگگز - دوققوز - اون.

۲- اعداد ترتیبی:

بیرینجی - ایکینجی - اوچونجو - دؤردونجو - بئشینجی - آلتینجی - یئددینجی.

۳- اعداد ترکیبی:

اون‌بیر - اون‌ایکی - اون اوچ - اون‌دؤرت - اون‌بئش.

٤- اعداد توزیعی :

بیربیر - ایکی ایکی - اوچ اوچ - دؤرد دؤرد - بئش بئش.

٥- اعداد کسری :

یاریم - اوچده‌بیر - بئشده‌بیر - یوزده اون.

٦- اعداد مبهم :

نئچه - نه قدر - چوخلی - آزجا - ایکی‌ائیله

توجه : اگر اعداد قبل از اسم قرار گیرند علامت جمع قبول نمیکنند .

مانند : بئش اوطاق - بئشینجی شاگرد

اگر به تنهائی بکار روند علامت جمع میگیرند .

مانند : بئشینجی‌لر - یوزلرله شاگرد

اسمی که بعد از اعداد بیاید علامت جمع قبول نمیکند . مانند : آغاجدان آلتی قوش اوچدی

کلمه جمله عبارت

کلمه : لفظی است که از دو یا چند حرف ترکیب شده، معنا و مفهوم خاصی را بیان میدارد. مانند :

شهر خیابان کوچه باغ

جمله : عبارتست از مجموع کلماتی که رویهم معنای کاملی را بیان می‌نماید. مانند :

علی آقا منیم قارداشیم دیر - آقای نادری منیم سروریم دیر

اقسام جمله:

جملهٔ اسمیه - که از مسندالیه - مسند و رابط تشکیل شده است. مانند : هوا ایشیق دیر

هوا = مسندالیه. ایشیق = مسند. دیر = رابط

جملهٔ فعلیه: که از فعل و فاعل تشکیل یافته است.
مانند: علی گلدی. علی آمد

جملهٔ التزامی:
مانند: گره ک آلام. باید بگیرم

جملهٔ امری:
مانند: گئت بازارا. برو بازار

ارکان جمله عبارتند از: مسندالیه - مسند - رابط - فعل - فاعل - مفعول.

جملهٔ مقلوب: هر کدام از ارکان جمله در ردیف خود قرار نگیرند. آنرا جمله مقلوب نامند.

جملهٔ معترضه: جمله‌ایست که اگر حذف شود. خللی بسایر کلمات و جملات و معنای آنها وارد نمی آید. البته بودن آن، مطلب را روشن‌تر میسازد. جمله معترضه را مابین دو خط تیره می‌نویسند.

مبتدا و خبر

مبتدا اسمی است که در ابتدای جمله واقع میشود و خبر به او نسبت داده میشود. مانند: اللّه اکبر.

خبر نسبتی است که به مبتدا داده میشود و معنای جمله را کامل میکند.

در جمله بالا اللّه مبتدا و اکبر خبر است.

عبارت: مجموعه‌ای از جملات را عبارت گویند.
مانند: یاخشی ایش محکم اراده‌نین نشانه‌سی دیر.

ترتیب قرار گرفتن اجزاء در عبارت به ترتیب زیر است:

۱- مسندالیه ۲- مسند ۳- رابط ٤- صفت ۵- فاعل ٦- قید زمان ۷- قید حالت ۸- قید مکان ۹- فعل.

مثال - علی عاقل شاگرددیر، ریاضی کتابلارین دونن ئوزیله مکتبه آپاردی.

۱- جملاتی که با اسم شروع میشوند:

اللّه دیر که گویلری ویئری و دریالاری یارادیب
اللّه گویلرین ویئرین نوری‌دیر.

۲- جملاتی که با فعل شروع میشوند:

اور گتدی انسانا اوزادی که بیلمیردی.

سوروشورلار که قیامت‌ها چان‌اولاجاق.

۳- جملاتی که با ضمیر شروع میشوند:

اواللهی که هرزادی سیزین استفاده‌ز اوچون یارادیب.

اونلار او کسلردیلر که چتین لیک لره دؤزوب و صبر ائله دیلر.

٤- جملاتی که با قید شروع میشوند:

یاخشی عمل و گوزه‌ل ایش قرآن اوخوما قدیر.

یاخشی ایش گؤرمک راسخ عزمین نشانه سیدیر.

۵- جملاتی که با سئوال شروع میشوند - جملات استفهامی

آیا خلقی یاخشی ایشلره سفارش ائلیرسیزوئوزوزو یاددان چیخاردیرسیز.

آیا انسان اوچون ایکی گوز و ایکی قولاق قراروئرمه دیک.

٦- جملات شرطی:

اگر بیزبوقرآنی داغلارانازل ائله سئیدیک، داغلارقورخودان داغیلاردیلار.

اگر سندن اطاعت ائده‌لر نجات تاپارلار.

۷- جملات ندائی:

ای انسان نمه‌سنی قدرتلی وحکمتلی اللها مغرور ائتدی.

ای بشر نقدرسن کفران نعمت ائدنسن.

۸- جملات امری:

دئیون الله بیردیر تانجات تاپاسیز.

دئگینن صبر و نماز ایله الله تعالی دان کمک لیک ایستیون.

ادبیات ترکی ایرانی

ترکی هنر است.

تورک دیلی نه‌دن هنردیر؟

دنیالیق اؤلان تورک دیلینده اوقدر گؤزه‌للیک‌لر و درین لیک‌لر واردیر که حتی ئوزگه‌لریده حیرته و تعجبه سالار.

تورک دیلی هنردیر، بونا گؤره که تکمیل بیر دیل دیر، قاعده و اصول باخیمینداان دوزگوندور، اوندا بی‌قاعده افعال یوخدور، بودیلده هرسؤز و دانیشیق هرحالدا و هرزماندا صرف اؤلونا، ئوز اصلین و کؤکؤن الدن و ئرمز.

هنر دئمکدن منظور همون کامل و غنی اؤلماقدیر، بونا گؤره، گؤزه‌ل تورک دیلی انصافاً بو عنوانا و بو مقاما لایقی و یاراشیغی واردیر.

بورادا چوخ قیسا اؤلاراق بیر نئچه سؤزون یازیلماسی و آیدینلاشماسی لازمدیر، آشاغیدا اؤلان تورکجه لغت‌لرین معادلی آیری دیللرده چوخ آزاراق تاپیلار، بیزیم دیلده بیر کلمه اوبیری دیللرده نئچه کلمه و جمله یئر توتار، ایندی اوچ کلمه نمونه اوچون آد وئریلیر.

پاک	دیل	اوره ک
پاک‌اؤلما	دیل آچماق	اوره گیم آغریدی
پاک‌اؤلماق	دیل‌لرازبری	اوره گیم بولاندی
پاک‌اؤلونما	دیل‌اؤرگنمک	اوره گیم پارچالاندی
پاک‌اؤلونماق	دیل‌اؤرگشمک	اوره گیم چیرپیندی
پاک‌لانما	دیل‌تؤکمک	اوره گیم پؤشلندی
پاک‌لانماق	دیل‌چیخارتماق	اوره گیم پارتلادی
پاک‌لاشما	دیل‌به‌دیل‌دئمک	اوره گیم چیخدی
پاک‌لاشماق	دیلدن دوشمک	اوره گیم کئچدی
پاک‌ائتمه	دیلدن‌سالماق	اوره گیم قالخدی
پاک‌ائتمک	دیلی‌توتولماق	اوره گیم دؤیوندی

پاک‌ائلمه دیلدن قاچیرتماق اوره گیم قooوشدی
پاک‌ائلمک دیلینی باغلاماق اوره گیم یاندی
پاک‌لاما دیلینی بیلمک اوره گیم گؤی‌ندی
پاک‌لاماق دیلینی دیشله‌مک اوره گیم چاتلادی
پاک‌لاتما دیلینی کسمک اوره گیم اوزولدی
پاک‌لاتماق دیلینی ساخلاماق اوره گیم قیزمادی
پاک‌لاتدیرماق دیل‌لشمه اوره گیم سیخیلدی
پاک‌لاتدیرما دیله گتیرمک اوره گیم قیریلدی
پاک‌لاندیرما دیله‌توتماق اوره گیم قوورولدی
پاک‌لاندیرماق دیله گلمک اوره گیم آجیشدی
پاک‌لاشدیرما دیلی‌دولاشماق اوره گیم قان‌اؤلدی
پاک‌لاشدیرماق دیل‌وئرمک اوره گیم قاریشدی
پاک‌ائتدیرمه دیلدن‌دیله‌دوشمک اوره گیم داریخدی
پاک‌ائتدیرمک دیل آغیزائله‌مک اوره گیم یئریندن‌اؤلدی
پاک‌ائلتدیرمه دیلدن دیله‌سالماق اوره گیم‌ووردی
پاک‌ائلتدیرمک دیل لندیرمک اوره گیم دولدی

* * *

بوراخمارام گئده باشیمدا بوآنا دیلیمی
کیمین جسارتی واردرمنیم دانا دیلیمی
جهانه بیز گلنی دؤرت‌مین ایلدن آرتیق‌در
که یوخسا باخ هامی تاریخلره سینادیلیمی

۱ - آدسیز ارموی :

ارومی

قوشچودان اننده گوزه‌ل ارومیه
گؤرسه‌نیر یام‌یاشیل باغلارین سنین
گلمیشم روحومون درمانین دئیه
جیرانلار اویلاغی داغلارین سنین
باهاردان صفالی گلیر پاییزین
باغلاردا چالیشیر اوغلانین قیزین
ماتملی گؤرنده سنی (آدسیز)ین
اوره گین پارچالیر داغلارین سنین
ئولدورسه مرد بیر نفری، مرد ئولدورر
ئولدورمز انسانی قوجالیق درد ئولدورر

گرمرد کسسه باشیمی جان اینجیمز ولی
بیر کلمه دئییب منی نامرد ئولدورر
گؤزون آچ، عالمی چاپدین نه‌تاپدین
بیرین چالدین، بیرین قاپدین، نه‌تاپدین
عومور کئچدی قئییتمز بیر دوشون گؤر
نه‌لر بیلدین، نه‌لر گؤردون، نه‌تاپدین

۲- پریشان:

ساقی تعلل ائیلمه جام بلورین آل اله
دور بیر ایاغه توت الیم رحم ائیلیوب همت ائله

آچدی پرده چهره دن اوشوخ دوران آفتی
سالدی جهان ایچره گئنه غوغای شورو ولوله

یارجوروندان آچیب ائتمه شکایت‌ای گویول
خارین جفاسین چوخ چکر هر کیم اؤلا عاشق گوله

یارب اولور بیرده گئدم باغ نظرده اگلشم
چؤلده چمنده سیر ائدم شورو نوای بولبوله

۳- تنهای ارومیه :

ایـستـر مـنـه فرزانـه دی ایـستـر دی ده‌لـی
ایـسـتـرمـنـی جـبـری تـانـی، یـا مـعـتـزلـی
بـیـر ال گـلـیـرا اخـتـیـاریـمـی الـدن آلـیـر
هر گؤز گی گؤرر، گؤرونمز او گیزلین الی
عاشق اودور گؤیده اولدوز و ماهی گؤره
یـئـرده سیـنـه‌لـرده اوجـالان، آهـی گـؤره
اللهین آدین ائشیتسه جانینا قورخو دوشه
یـارپـاقـدا ، آغـاشـدا ، داشـدا آلـلاهـی گـؤره

٤- جعفری ارومیه :

الله الله چاغیریر تا کی سوموک قان اتیمیز
آلـلاهـیـن رحـمـتـیـنـه بـاغـلـیـدیـر حـیـثـیـتـیـمـیـز
هامی ملت گوتوروب اسلحه‌سین اولدی بسیج
شرقی غربی ائده‌جک فتح بـیـزیـم مـلـتـیـمـز
دیریلیک بیرلیک ایلن دیر بودور هرفتحه دلیل
هرنه میز هئچ زاد اؤلار اولماسا گر وحدتیمیز
اگمه‌ریک ظالمه باش عدل و عدالت یاشاسین
یاشاسین گون کیمی پارلاق تانیلان همتیمیز

۵- رشید افشار - ادیب الشعراء :

داغه گلدیم که گویول داغینی بیر آزقیلیم
ئوزومه داغ گؤره‌ن لاله‌نی دمساز قیلیم
نه‌بیلیم لاله گویول داغینه مین داغ قویار
باشیمه گلدی هاوا بس‌ها را پرواز قیلیم
تا گؤروم یارنشانین وئریری داغ نشان
هوچکیب قله‌لر اوستونده من آواز قیلیم
داغیله باغی گؤروب اؤلما چوخ آواره رشید
گل خراباته سنی عارف هرراز قیلیم

۷- روح الله قنبری :

داغلار قورشانیبسان آل یاشیلا
ائلاتلار کؤچمه‌سین بئلیندن سنین
اریرر قارلارین آخار سولارین
صونالار قاچماسین گؤلوندن سنین
گؤزه‌ل لیکده گولوستانه بنزرسن
بولبوللر اوچماسین گولوندن سنین
مارال‌لار دولانار گزر چؤلونده
قوزولار آیریلماسین سوروندن سنین

۸- شامی :
یا حق قوشوتک سسله‌رم هر گئجه یاری
یاریار دئیه‌رم تا کی اؤلار دوز گئجه یاری

بیرلاله یاناق پسته‌دوداق آهو باخیشلی
بیردفعه الیمدن آپاریب صبر و قراری

مجنون کیمی هریئرده منی دیللره سالدی
بیرقدی اوجا گؤزلری گؤی تئللری ساری

بیرائیله گؤزه‌ل لیک که او مهپاره‌ده‌واردی
آخر چکه جکدیر منی او داغلارا ساری

شامی گؤزونون یاشلارینا اولماساچاره
آخر ییغیلار عالمی بیریول سئل آپاری

۹- عاجز ارموی :
جانه گلدیم داخی من بیر بئله اقرار قیلیم
نه‌باخیم گول اوزونه نه گونومی تارقیلیم
بیر دؤنوب گوشهٔ چشمیله منه باخمیرلار
بیربئله درد و غمی من نئجه هموارقیلیم

دردیمه چاره ائدین یوخدی مگر درد اهلی
گئدیم اوخسرو دورانه من اظهار قیلیم
دئییم ای شاه کرم پیشه نه لایق دوربو
سنین عهد ینده دوروب گویلومی من زار قیلیم

۱۰- مایل افشار :
بی وفا دلبر گرفتار جفا ائیلر منی
دهرده رسوای خلق او بی وفا ائیلر منی

حلقه حلقه خم به خم چین به چین اوزلف مشکبار
گاهی باغلار گاه توتار گاهی رها ائیلر منی

دین و ایمانی آلیب الدن اوجادو گؤزلری
هر نگاهی مین بلایه مبتلا ائیلر منی

شوره گلمیش مایل بیچاره هر دمده دئیر
ئوز حبیبیم مایل شورو نوا ائیلر منی

۱۱- مخفی افشار :

سندن صنما ائتمرم گله‌من
ائتسم دوشه‌رم دیلدن دیله من

آز قالدی سنین دردیندن اؤلام
دیـوانـه لـره سـرسـلـسـلـه مـن

دریای غمین غرق ائتدی منی
مشکلدی یئتم بیر ساحله من

یـار غـمـی‌نـی دایـم چـکـرم
شایـد یـئتیشم کام دیله من

۱۲- مریم جهانگیری :

گل دولاشما گینان اوزلف پریشانه گویول
صبر ائیله دؤز بو قرانلیق شب هجرانه گویول

اولـمـا نـامـرد و مـحـبـت ائـلـمـه نـا اهـلـه
باغلاماز عاقل اولان الفتی نادانه گویول

نئجه ترک ائتدی وفا صحبتینی غنچه لبی
واقف اول ذوق ایله اونکته‌ی پنهانه گویول

فرقته باعث اولاندان آلارام قانلی قصاص
آند اولسون او گؤزه‌ل پرچم ایرانه گویول

۱۳ - میرجلال صابر :

ای ارومیه عجب فصل بهارین وارسنین
مین طرفدن جاری اولموش آبشارین وارسنین

بادرشبویا قیزیل گول یاکه بیدمشگین دئییم
مین ائلینده اوخشیان بیر خوشه‌بارین وارسنین

ای بکشلی بیلمیرم واردور نه‌قدر و قیمتین
گونده مین داشقا قوون قارپیز خیارین وارسنین

نازلوچایی بیربئله شهرت سالیبسان عالمه
اطرافیندا باغلارین چوخ باغچالارین وارسنین

بیرطرف توتلوخلاریندا قوش قووور زوب بنگ آتیر
گاه چمیر گاه چای ایچیر نه‌خوش کنارین وارسنین

پروفسور عباس زمان اوفا خطاب :

علی تبریزی :

دیلیمده اؤیله باشار یوخ که سؤزلر آندیرسین
سنی ایچیمده یانان اؤدلارا ایناندیرسین

یازیق که‌من هله بیر اؤیله سؤز قوشان دگلم
که ائل‌لرین دیلینه بیر هنر قازاندیرسین

بونونلا بؤیله گوجوم اولماداان یازیب قوشورام
که بلکه بیر پارا سایمازلاری اوتاندیرسین

اوزون اوزون سوره‌لر دیلسیز اولموشام قیناما
باشارماز اولسا دیل آغزیمدا سؤز دولاندیرسین

اسیر اولانلاری هئچ بیر کره‌ن گؤروب سن‌می؟
که بیربیرین دیل یئرینه یوخسا، گؤزله قاندیرسین

بیزیم که یوخ گؤزه‌ده اؤرتامیزدا بیرجه ساتاش
جیزیق جیزیق یازیلار بلکه بیر شئی آندیرسین

بووار که آنجاق ایکی چیرپینان اوره کلری هئچ
نه‌سؤز نه گؤز نه‌جیزیق ایستمز اوساندیرسین

سن اوردا من بوردا اؤرتامیزدا قانقالار
سالیب هاچانلارا تک آیریلیق دایاندیرسین

آدین عربجه زمان، روسجا اوف، نه‌دن اولسون
نه‌دن بوئوزگه بویاخ بیزلری بویاندیرسین

نه‌دن گرک اؤلا تورک اوغلی ئوزگه ایزلرده
هاچان هاچانلارا بوبیزلری یوباندیرسین

بیلیرمی سن که‌سنه سس گلیر نه‌باتلاقدان؟
که‌اوندا ناققا گرکدر که چالخالاندیرسین

اؤتوز ایل ایچره باشیم ئویله تاپتالانمیش کیم
اینانما هر کیم اونا اردەمین سیناندیرسین

بودرمی سن تانییان ملی ایزلی تبریزلی؟!
ئوزون گرک یئنی‌دن یوخسا بیرده آندیرسین

اولارسا، سؤیله قؤزئی بؤلگه سینده ائللریمه
آلیب بوملی سسی اوردا دالقالاندیرسین

سولماز:

بئله یازیبدی

قادرالله یازیلاری یازاندا
باشدان بیزیمکینی بئله یازیبدی

بالیغی دریایا قوشو هاوایا
آلا گؤز جیرانی چؤله یازیبدی

پروانه‌نی سالیب اوتون عشقینه
بولبولون عشقینی گوله یازیبدی

افسونلی باخیشی خمار گؤزلره
پریشان اولماغی تئله یازیبدی

گونش‌تک گولوشی غنچه لبلره
شیب شیرین سؤزلری دیله یازیبدی

اؤرتوب آغ گردنی ایپک تئل ایله
اینجه لیغی نازیک بئله یازیبدی

آلیجی طرلانی ماوی گوی‌لره
یاشیل باش صونانی گؤله یازیبدی

نازلی یئریشی وئریب کهلیگه
لطافتی قیزیل گوله یازیبدی

نارین نارین قئیناماغی بولاغا
داشیبان آشماغی سئله یازیبدی

نسیمه زمزمه بولبوله چهچهه
نغمه‌نی سازدا کی تئله یازیبدی

دایانیشی وئریب قوجامان داغا
بار وئرمغی زر سونبوله یازیبدی

انسانین مغزینه دوشونجه وئریب
حیات یاراتماغی اله یازیبدی

ایستک یارادیبدی وورغون گویولده
ایستگی اوره گه دیله یازیبدی

تک لیغی ئوزونه حصر ائدیب آنجاق
قوشا یاشاماغی ائله یازیبدی

سولمازین کؤیلونده طوفان قوپارسا
بؤیوک اللهی سئویب بئله یازیبدی

*   *   *

ساوالان :

وطنیم

دینله دیم کویلومو گؤردوم که دئییر جان وطنیم
اؤلا مین دفعه گؤروم جان سنه قربان وطنیم
غمین آت بیرجه سئوین عملی اوره کلر سئوینه
باغریمیز چونکه اولوب بیر داها شان‌شان وطنیم
وارلغین ثبت اولوب اجدادیمیزین قانی ایله
سنی جاندان قؤرویوب شوقیله هر آن وطنیم
بونجا دنیاده گؤزه‌ل لیکلری گؤردومسه بودور
اؤلا ماز هئچ بیری بیر آن منه جیران وطنیم
توریاغین چون بؤیوروبلار شهدا قانیندان
یاد آیاق قویسا یقین قیشقیراجاق قان وطنیم
گؤرنه ارده‌ملی ایگیت‌لر یی‌یه‌دیر ایندی سنه
کشیگینده دایانیب هر ایگیت اوغلان وطنیم
سن مقدس‌سن آنامسان یوخ آنامداندا عزیز
سنه باغلانمیش اوره ک مین کره چوخدان وطنیم

بیر ریاضت چکن انسانه وئررلرسه بهشت
مین ریاضتله من اؤلارام سنه باغبان وطنیم
من آذربایجانیما جانیمی قربان ائلەسم
سسیمه سس وئره‌جک ئولکه‌ده هریان وطنیم
ساوالان گؤز اوجالیر دوغما دیارایله اودور
باشاباش جاندان عزیز دیر بوتون ایران وطنیم

ارومی

ای شهرارومی بیزه سن شانلی وطن‌سن
باشدان باشا داغسان‌مئشه‌سن‌چشمه چمن‌سن
باخدیقجا گؤزەل باغلارینا گولدی چیچکدی
قوشلارا وخویور نغمه نی‌جنت کیمی شن‌سن
قؤینوندا نه غیرتلی جوانلار یئتیر یبسن
کئچمیش‌لره‌باخ آی آنافخرائیله گووەن‌سن
قیرخ قرن یاشین و ارائله بیل تازه گلین سن
هر آن گئنین آل یاشیلی هرلحظه بزەن سن
آخ، آخ نه طوفانلار کی سنین اسدی باشیندا
مینلر شوکور اولسون کی هله ایندی اسن سن

قازدیق تپه لردن عجبا چیخدی نه شیئلر
اونلار بیزه اثبات ائله‌دی چوخلی کهن سن
قرآندا بیزه جنتی وعده وئریب آللاه
الحق گؤزه‌ل ارومیه اورالاپ ائله سنسن
شار، شارسینن اوستونده آخیردوم دوروچایلار
اوتلوسولو داغسان دره‌سن دشت و دمن سن
هرفصلیده بیردون گئینیر سنده طبیعت
یاز فصلی گونش جلوه‌لی قیش فصلیده چن سن
واردیر قوجاغیندا نه‌قدر گؤرمه‌لی یئرلر
نعمتلی طراوتلی گؤزه‌ل گزمه‌لی گن سن
بندینده دولاندیقجا منیم کونلوم آچیلدی
باشدان باشا گولسن مئشه سن لاله سمن سن
بیر یاندا اوزوم باغلاری بیر یاندا دنیزوار
بیریول دئیرم (شامی) یه ایستکلی وطن سن

پایان

ارومیه ۱۳۷۱ خورشیدی

احمد کاویان پور

فهرست مندرجات

۱ - اصوات	صفحه	۳
۲ - قانون هم آهنگی حروف صدادار	«	۷
۳ - اسم	«	۸
٤ - پسوندها	«	۱۱
۵ - ضمیر	«	۱۲
٦ - صفت	«	۱٦
۷ - فعل	«	۲۰
۸ - فعل ماضی	«	۲۰
۹ - فعل ماضی مطلق	«	۲۱
۱۰ - فعل ماضی استمراری	«	۲۱
۱۱ - فعل ماضی نقلی	«	۲۱
۱۲ - ماضی نقلی مستمر	«	۲۲
۱۳ - ماضی بعید	«	۲۲
۱٤ - ماضی ابعد	«	۲۲

۱۵ - فعل ماضی آینده در گذشته	« ۲۳
۱۶ - فعل ماضی شرطی	« ۲۳
۱۷ - فعل مضارع	« ۲۳
۱۸ - فعل مضارع ساده	« ۲٤
۱۹ - فعل مضارع اخباری	« ۲٤
۲۰ - فعل مضارع استمراری	« ۲٤
۲۱ - فعل مضارع التزامی	« ۲۵
۲۲ - فعل زمان آینده	« ۲۵
۲۳ - فعل امر	« ۲۵
۲٤ - فعل سببی	« ۲٦
۲۵ - فعل استفهامی	« ۲٦
۲٦ - فعل نفی	« ۲۷
۲۷ - وجه شرطی	« ۲۷
۲۸ - وجه التزامی	« ۲۷
۲۹ - فعل مجهول	« ۲۸
۳۰ - قید	« ۳۱
۳۱ - حرف ربط - حروف اضافه	« ۳٦
۳۲ - اعداد	« ۳۷
۳۳ - کلمه - جمله - عبارت	« ۳۹
۳٤ - ادبیات ترکی	« ٤٤
۳۵ - اشعار شعرای ترکی گوی	« ٤۷-٦۲